

## خارج فقه صلاة الجمعة استاد محسن اراکی زید عزه شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۸۷

مرحوم آقای خوئی، پس از بیان چهار مانع از ظهور روایات، می فرمایند به دلیل این چهار مانع ما باید دست برداریم از ظهور این روایات، بعد مرحوم خوئی دست از حرف اول خود برمی دارند و می فرمایند که ظهور هم حتی در وجوب تعیینی ندارد، و در اصل مقتضی تشکیک نموده و می فرمایند اصلاً روایات ظهور در وجوب تعیینی ندارد و به بررسی و رد ظهور روایات می فرمایند:

روایت اول: روایت زراره،

۹۴۱۴ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ... .

۹۴۱۵ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع عَلَى مَنْ تَجِبُ الْجُمُعَةُ قَالَ تَجِبُ عَلَى سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ لَا جُمُعَةَ لِأَقَلِّ مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَحَدُهُمُ الْإِمَامُ فَإِذَا اجْتَمَعَ سَبْعَةٌ وَ لَمْ يَخَافُوا أَمَّهُمْ بَعْضُهُمْ وَ خَطَبَهُمْ

وسائل الشيعة، ج ۷، ص: ۳۰۴ ( وسائل ابواب صلوة الجمعة باب ۲ حدیث ۴ )

گفتیم که ظهور روایت، در این است که سواء حضر الامام او لم يحضر، سواء أقيمت أو لم يقم ... تجب ، تجب ظهور در وجوب تعیینی دارد

خلاصه اشکال ایشان:

فراز (تَجِبُ عَلَى سَبْعَةٍ ) سبعة

یا برای بیان شرط وجوب است، که اگر هفت نفر شدند واجب است نماز جمعه اقامه کنند.

یا برای بیان شرط صحت است نه وجوب که هفت تا کمتر اصلاً نماز صحیح نیست.

اما شرط صحت نیست؛ به دو قرینه:

- قرینه اول : ظاهر سؤال این احتمال را نفی می کند، چون ظاهر سؤال، سؤال از وجوب است نه سؤال از صحت، نگفت می تصح بلکه گفت می تجب، لذا جواب هم باید بیان شرط وجوب باشد نه شرط صحت.
- قرینه دوم : روایاتی داریم که تصریح دارند بر اینکه شرط صحت، اجتماع خمسة است نه سبعة ، اگر پنج نفر بودند، نماز قطعاً صحیح است ،

پس روایات دیگر قرینه می شوند که روایت در مقام بیان شرط وجوب است،

حال اگر منظور صرف وجود سبعة باشد، این تعلیق وجوب بر وجود سبعة لغو خواهد بود، چون جایی که هفت نفر نباشند نداریم مگر جاهای خاص و نادر. و هر جا که جای حضور انسانها باشد، هفت نفر هم معمولاً هست. و اینکه بخواید با قید سبعة آن افراد نادر را خارج کند، تقييد لغوي است. و شرط سبعة شرط دائم التحققي است. مثل این که بگویند اگر سرقله کوه نبودی در وسط دریا نبودی، جمعه واجب است، چنین قیودی لازم نیست. تقييد به شرط دائم الوجود یا تقييد به شرطي که دائم التحقق است، لغو است. پس ناچاریم مقصود از «اذا اجتمع سبعة» را حمل کنیم بر اینکه: اگر هفت نفر جمع شدند برای صلوة الجمعة و آنرا اقامه کردند، و نماز جمعه بشرائطها اقامه شد بر بقیه، حضور در نماز جمعه واجب می شود.

### ایرادات بیان مرحوم خویی:

اولاً: اینکه فرمودند احتمال شرط صحت بودن سبعة می رود، اصلاً صحیح نیست، چون شرط صحت را در خود روایت صراحتاً بیان فرموده که خمسة است. و این احتمال اصلاً وارد نیست. لذا احتمال این که پنج تا شرط صحت باشد وارد نیست.

ثانیاً: ما قبول نداریم که عدم تحقق این شرط نادر باشد، چون مقصود از سبعة، مطلق السبعة نیست بلکه سبعة مع اجتماع الشرائط است، یعنی:

۱- سبعة ای است که هیچکدام از اعدار (مرض، شیخوخية، مسافر ...) را نداشته باشند.

۲- سبعة ای است که یکی از آنها توان خطبه را داشته باشد.

و چنین سبعة ای عدم تحقق اش کم نیست، بلکه در قرا و بوادی زیاد دیده می شود.

پس سبعة از دائمي التحقق بودن خارج شد، و این شرط اقلی التحقق است، لذا لغو نخواهد بود.

در گذشته سکنه مدن کمتر از سکنه بوادی بودند و سکنه این قرا و بوادی پراکنده غالباً بدلیل بیسوادی قادر به خطبه

خواندن نبودند «منظور از من یخطب فقط صرف ارکان خطبه و اقل ما یجزي نیست»

ثالثاً: چرا اشتراط سبعة را در وجوب، به لحاظ مازاد بر سبعة نگیریم؟ تا شرطية سبعة، لغو نباشد؟ و این سبعة نافي شرطیت

عدد بالاتر غیر از سبعة است. چون در فقه اهل سنت تا اربعین، اعدادی را شرط دانسته اند.

با این بیان این شرط نه تنها لغو نیست، بلکه لازم است. ظهور فاذا اجتماع در نظر داشتن به آنها بیشتر است، که خیال نکنند اگر ۷-۱۰ نفر بودند، واجب نمی شود.

رابعاً: که رد می کند حمل روایت را بر وجوب الحضور بعد اقامتها، به چند دلیل:

۱- صدر روایت می فرماید تجب علي سبعة نفر من المسلمين، که مطلق است. ظهور در « وجد » دارد و وقتی که بعد از این فراز فرمود اذا اجتماع.... با توجه به ظهور صدر، یعنی اجتماع وجودهم، و ظهور صدر، به اجمال ذیل، ظهور می دهد و اذا اجتماع را ظاهر می کند در ( اذا وجد ). ظهور صدر روایت است که اگر هفت نفر بودند، تجب، ظهور صدر، اجمال ذیل روایت را رفع می کند. و به اجمال ذیل، ظهور می دهد.

۲- و روایات دیگری هم داریم که منظور از سبعة، اجتماع سبعة لصلوة نیست، بلکه وجود سبعة في مكان واحد است:

• مثل صحیحة محمد بن مسلم:

۹۴۱۷ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ ...

۹۴۱۸ وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ يَعْنِي ابْنَ يَحْيَى ...

۹۴۱۹ وَ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى ...

۹۴۲۰ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَجِبُ عَلَى أَقَلِّ مِنْهُمْ الْإِمَامُ وَ قَاضِيهِ وَ الْمُدَّعِي حَقًّا وَ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ الشَّاهِدَانِ وَ الَّذِي يَضْرِبُ الْحُدُودَ بَيْنَ يَدَيِ الْإِمَامِ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ مِثْلَهُ

وسائل الشيعة، ج ۷، ص: ۳۰۵

• صحیحة عمر بن یزید: ( وسائل ج ۷ ص ۳۰۶ ابواب صلوة الجمعة باب ۲ ح ۱۰ )

۹۴۱۷ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ ...

۹۴۱۸ وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ يَعْنِي ابْنَ يَحْيَى ...

۹۴۱۹ وَ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى ...

۹۴۲۰ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ ...

۹۴۲۱ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كَانُوا سَبْعَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلْيَصِلُوا فِي جَمَاعَةٍ إِلَى أَنْ قَالَ وَ لِيَقْعُدَ قَعْدَةً بَيْنَ الْخُطْبَتَيْنِ الْحَدِيثَ

که صریح در وجوب اقامه است و اینکه سبعة، سبعة عددی است. و منظور سبعة بعد از اجتماع و اقامه نیست.

• صحیحہ صدوق باسناده عن عمران الحلبي ( وسائل ج ۷ ص ۳۰۴ حدیث ۳ ) سند صدوق به عمران صحیح است.

۹۴۱۴ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ خَمْسَةً أَوْ سَبْعَةً فَإِنَّهُمْ يُجْمَعُونَ الصَّلَاةَ كَمَا يَصْنَعُونَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

که مقصود از عدد، وجود العدد، برای وجوب الاقامه است. عدد در این جا شرط وجوب اقامه است، و وجود العدد فی مکان الواحد است نه اجتماع فی صلاة

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیه

http://zekr.com

Copyright © Zekr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است